

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی فدرالیسم در ایران

کوروش عرفانی

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آن‌ها چیست؟

کوروش عرفانی: دولت غیرمتمرکز با دولت فدراتیو متفاوت است. عدم تمرکز، هم معنای فدرالیسم نیست بلکه حکایت از نوعی از مدیریت دارد که در آن، اختیارات فراوانی به دست اندرکاران در صحنه سپرده می شود. این واگذاری اختیارات مانند سیستم فدراتیو به طور لزوم از تقسیمات کشوری پیروی نمی کند، بلکه تابع کارکردهای مشخص هر نهاد می باشد. به عبارت دیگر، یک سیستم غیر متمرکز کارکرد-محور است، در حالی که سیستم فدراتیو، جغرافیا-محور است. هدف از عدم تمرکز قدرت، پاسخ دادن به مطالبات قومی و منطقه ای و استانی نیست، بلکه بهره بردن از ابتکار عمل های مدیران و دست اندرکارانی است که به طور مستقیم درگیر مدیریت یک مجموعه هستند، در هر کجا که باشد. این بهره بری از توانایی های خرد در هر سطحی و در ورای تقسیم بندهای جغرافیایی یا قومی اعمال می شود. بنابراین این دو سیستم به طور کلی با هم متفاوت هستند. فدرالیسم زاینده ی یک دیوانسالاری عظیم است که به تعداد استان و منطقه و تجدید و تشدید می شود، حال آن که دولت غیرمتمرکز به معنای سبک سازی و ساده سازی دیوانسالاری است و درست در نقطه ی عکس قرار می گیرد.

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر اری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب است: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی- ملی/قومی؟

عرفانی: نظام فدرالیسم نامناسب ترین نوع نظامی است که می توان برای کشورهایی مثل ایران توصیه کرد. کسانی که این نظام را پیشنهاد می دهند یا فاقد آگاهی از تاریخ اجتماعی ایران هستند و یا منافع پنهان دیگری را در این زمینه جستجو می کنند. در کشور ما، با توجه به تاریخ خودکامگی و نتیجه ی آن، یعنی ساختار شکننده

ی همبستگی های کلان، هر گونه حرکتی مانند فدرالیسم یک ماجراجویی خطرناک و حتی غرض ورزانه جلوه می کند. آن چه ایران به آن نیاز دارد عدم تمرکز است نه فدرالیسم.

استبداد ایرانی ریشه در تمرکز قدرت دارد، اما این مفهوم بسیار فراتر از قدرت دولتی است. منظور نبود توزیع عادلانه و منطقی قدرت و عدم حضور عنصر ضد قدرت است. مشکل فقط در حکومت نیست، در کشور استبداد زده ی ما حتی در درون یک اداره و وزارتخانه نیز تمرکز قدرت افراطی و حذف هر گونه مکانیزم نظارتی متداول و رایج می باشد. بنابراین، برای محو استبداد در ایران نیاز به استقرار آن نوع نظام مدیریتی داریم که قدرت را در سطوح مختلف اداری و کاری با مبنای شایسته سالاری و تخصص گرایی تقسیم و توزیع کند و اجازه ی شکل گیری سازوکارهای نظارتی، یا همان ضد قدرت را هم بدهد. این همان دمکراسی به معنای واقعی است.

در حالی که درمان درد تاریخی استبدادزدگی قدرت در ایران عدم تمرکز و توزیع اجتماعی قدرت است، فدرالیسم با دادن یک آدرس غلط، ما را به سوی بازتولید منطقه ای و محلی مدل استبدادگرایی تمرکزگرا پیش می برد. به عبارت دیگر با فدرالیسم ما به جای داشتن یک استبداد بزرگ در ایران 31 استبداد کوچک خواهیم داشت. آن چه باید تغییر کند و دگرگون شود ماهیت و بن مایه ی روابط قدرت در ایران است نه شکل و ظاهر. فدرالیسم همان اشتباه استراتژیکی است که ما می توانیم مرتکب شویم و به واسطه ی آن، کار ریشه کن کردن استبداد در ایران را به مراتب پیچیده تر و سخت تر و طولانی تر بکنیم. مبارزه با یک استبداد اگر هوشمندانه، دقیق و حساب شده باشد می تواند ممکن و میسر شود، اما با چند ده استبدادسالاری منطقه ای دیگر نمی توان مبارزه کرد و به سوی فرسودگی، اختلاف اندازی، تجزیه و جنگ داخلی پیش خواهیم رفت.

ندای آزادی: ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟

عرفانی: هیچ کدام از اینها راه حل درست نیست. به طور کلی، فدرالیسم بدترین سیستم حکومتی برای کشورهای است که هزاران سال با یک سیستم استبدادگری متمرکز فاقد هرگونه نظارت عمل کرده اند.

مثال اقلیم کردستان عراق و کارنامه ی فاجعه باری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن نشان می دهد که فدرالیسم ایرانی و عراقی راه حل برون رفت از استبداد و عقب ماندگی این کشورها نیست. آن چه نیاز داریم تحول دمکراتیک از نوع اجتماعی است و نه فقط سیاسی و این تحول با دگرگون ساختن اساسی ساختارهای اقتصادی از یک سو و ساختارهای فرهنگی از سوی دیگر میسر است. هر ایرانی باید انتخاب کند که چه می خواهد: دمکراسی یا فدرالیسم. این دو با هم در ایران- و نه به طور لزوم در سراسر جهان- همخوانی ندارند. استقرار دمکراسی واقعی در ایران، یعنی دمکراسی اجتماعی با مشارکت مدیریتی مردم، نقش فدرالیسم را زیر سوال می برد و از آن طرف هم، فدرالیسم شانس استقرار دمکراسی مردمی در ایران را از میان خواهد برد. در ورای شعارها، روشنفکر نمایی، احساسات و یا توطئه های بیگانه باید یک انتخاب روشن میان این دو انجام داد: یا دمکراسی یا فدرالیسم.

دمکراسی اجتماعی سبب می شود که انسان و شهروند در محور ساختارسازی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد و نه منطقه و قوم و ساکن این یا آن ایالت بودن. فدرالیسم در این معنا، ضد اجتماعی و ضد دمکراسی است. چرا که سبب جدایی و پراکندگی و ضعف و تبعیض و جنگ می شود. حال آن که در الگوی دمکراسی مشارکتی عنصر جغرافیا و قوم و استان و ایالت و منطقه جای خود را به ارزش جان و کرامت انسان و نیز حقوق شهروندی خواهد داد. در یک دمکراسی مردمی، شهروندان به یاری هم می شتابند و با یکدیگر همکاری و همسویی می کنند، فدرالیسم این شانس را از آنها سلب و شهروندان را در پشت حصارهای مختلف اداری، قومی و منطقه ای اسیر خواهد کرد.

ندای آزادی: آیا این چند حوضه ای که نام می بریم باید در اختیارات دولت مرکزی فدرال باشند؟: نیروی نظامی و دفاع از مرزها؛ روابط خارجی (وزارت امور خارجه)؛ برنامه ریزی های کلان و بلند مدت اقتصادی؛ سیاست های مالی، پولی و مالیاتی؛ استخراج معادن و منابع زیر زمینی؛ نظارت بر انتخابات و حسن اجرای قوانین در هر ایالت؛ دادگاه ها و کل سیستم قضایی.

عرفانی: همه ی این حوزه ها می بایست در اختیار مردم باشد. دمکراسی یعنی اعمال مدیریت و نظارت توسط شهروندان بر تمام نهادهای دولتی؛ به نحوی که هیچ جریان گروهی، ایدئولوژیک یا قومی نتواند قدرت را به انحصار خود و قبیله اش درآورد. مکانیزم های انتخاباتی دقیق و زیر نظارت شهروندان در دو سطح خرد و کلان می تواند این اطمینان را ایجاد کند که اراده ی شهروندان برای تولید

و توزیع ثروت و قدرت مورد نظر قرار گیرد تا از این طریق بتوانیم شاهد پیشرفت جامعه در خط و مسیر مطلوب مردم باشیم. بنابراین بدترین فرمول برای کشور ما می تواند این باشد که با تکه تکه کردن ساختارها، شقه شقه کردن نهادها و پاره پاره کردن انسجام مدیریتی، بر مبنای قومی و منطقه ای، یک مجموعه ی ناهمگون، ضعیف، متشتت و بی آینده بسازیم.

بهترین فرمول، نظام غیرمتمرکزی است که در آن قدرت در دست شهروندان متمرکز است. تلاش باید در جهت نزدیک سازی انسان ها و شهروندان به هم باشد و نه دورسازی آنها از یکدیگر.